و بعد از آن بمدت بیست و سه سال آیه آیه و سوره سوره بحسب مصالح عباد تا بوقت ظهور سببی از اسباب نازل شده و تنزیل اشارت بدانست و حکمت
در نزول قرآن بحسب تدریج آرامش دل اهل او بود و آنچه اگر یکبار نازل شدی تحمل حمل آن نبودی و حق تعالی در جواب کافران
که از روی اعتراض می گفتند چرا قرآن یکبار نیامد چنین میفرماید کَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ پس فرستادن قرآن سوره سوره بعد از سوره
و آیتی بعد از آیتی جهت آرام دل پیغمبر و متابعان آنحضرت بوده و تمثیل آورده است که حق تعالی جل جلاله چنانکه از فرستادن سحاب از
آسمان بطریق تدریج کمی آب باران وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا و اگر آب باران بیکبار فرو آمدی نمودار طوفان در عالم ظاهر
شدی دوم روزی بندگان وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ و اگر روزی یکبار رسیدی بنده از محافظت او عاجز آمدی سیوم سوره و آیات
قرآن إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ چه اگر قرآن جمله واحدة نازل شدی هیچکس را طاقت سماع و حفظ آن نبودی توریه موسی یکبار فرو
آمد و بنی اسرائیل طاقت کشش آن نداشت لاجرم قدر ندانسته به بهای اندک فروختند قوله تعالی لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
و در آثار آمده که از بنی اسرائیل جز هارون و عزیر حفظ تمام توریه میسر نشد اما چون قرآن مفصل فرو آمد دلهای مومنان بقبول آن استقبال
نموده هر سوره و آیه را بتکرار در دل جای میدادند تا وقتی که قرآن تمام نازل شده چندی از صحابه شرف حفظ آن دریافته بودند و بعد از آن
برافقت توفیق چندین صاحب دولت دیگر بعبادت حفظ قرآن مستسعد گشته در سلک اشراف امتی حملة القرآن انتظام یافته خواهد
یافت و نکته دیگر آنست که حضرت رسالت در زندان عنادی این پیوسته بانواع از جانب اعدا ابتلا می بود چنانچه فرمود ما اوذی نبی
مثل ما اوذیت از تیغی خبر میداد پس هر گاه که دل مبارک آنحضرت بآسیب زخم جفای دشمن مجروح شدی از نزدیک دوست آیتی یا سوره
بحکم شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ مرهم راحت بودی فرود آمدی و زنگار آزار کفار بصیقل انوار آیه کار از آینه سینه بی کینه مختار مرتفع گشتی و الم ریش
دلخراش اشرار بلذت و نوش این شربت خوشگوار تدارک یافتی بیت کرم هزار غم روزگار پیش آید • کنون که روی تو بینم دلم بجا آید
و آن گویم که دل مبارک آنحضرت بواسطه توجه بر [illegible] لی مع الله احیانا از گفتگوی خلق مستوحش میشد پس بجهة تجدید انس و سلوة حضرت
رسالت پناه ساعت بساعت از ساحت صحرای وحدت نسیمی می وزید که موجب نشاطی بی اندازه بودی نازل میگشت و ظلمت کثرت
از نظر شهود آن محبوب عاقبت محمود محو میساخت بیت درین دیار بدان زنده ام که گاهی • نسیم باد صبا زان دیار می آید • و گفته اند
فایده تفریق آیات و تدریج نزول آن کثرت ملاقات جبرئیل بود چه جناب نبوت مآب با جبرئیل انس عظیم بود بسبب آنکه
پیغام دوست از او شنیدی بیت حال از زبان دوست شنیدن چه خوش بود • یا از زبان دوست اگر شنید از زبان • و هر آینه جبرئیل
برای نزول هر آیتی و سورتی میآمد و از اشتباه رسالت پناه مستحضر میبود و بدان واسطه قواعد موانست و موالفت تمهیدی تمام یافتی
و مشام آنحضرت بمدد فتوحات روح قدسی از روایح ریاحین ریاض انس معطر گشتی ع من ببوی تو هوا خواه نسیم سحرم
و حقیقت نزول آنست که جبرئیل از خداوند تبارک و تعالی قرآن شنید وقتی که در آسمان بودی پس از آن آمدی و بحضرت
پیغمبر رسانیدی نه آنکه همین کلام منتقل شده باشد از موضعی بموضعی زیرا که کلام صفتیست قایم بذات حق تعالی و آن صفت قدیم و نیست که زوال
و انتقال برو راه دارد و صاحب صحایف فرموده که علما در الفاظ آن اختلاف فرموده اند قومی آیه کریمه بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ

استدلال میکنند بر آنکه الفاظ قرآن در لوح محفوظ مکتوب بود و جبرئیل إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ لفظ را بجبرئیل اسناد مینماید و طایفه تمسک نموده اند نَزَّلَهُ عَلَىٰ
قَلْبِكَ شده و گویند نزول بر قلب بمعنی خواهد بود پس لفظ آنحضرت رسالت پناه مستند میسازند اما قول اصح آنست که در عمق العقاید
آورده مضمونش آنکه جبرئیل از حق سبحانه و تعالی قرآن فرا گرفتی بوجهی که کیفیت آن مفهوم بشریت نیست یا استماع کردی از حق تعالی و تقدس بنوعی که او را
شنوا گردانیدی بدان یا آواز شنیدی که بر کلام حق تعالی دال بودی یا از لوح محفوظ خواندی و یاد گرفتی یا اسرافیل که ملک لوح است از لوح
خواندی و بر جبرئیل املا کردی و جبرئیل آن با خود یا مسموع یا محفوظ خود بآنحضرت رسالت رسانیدی و الله اعلم بحقایق الامور عنوان ثانی در معنی وحی
و اقسام آن وحی در لغت پیغام دادنست و سخن پنهان گفتن و اشارت کردنست بر سبیل سرعت و در اصطلاح رسانیدن پیغام است بکیفیت بوجهی
الیه بر وجهی از وجوه و در بعضی آثار وحی گاهی فرمانی باشد از حق بمصالح خلق که بواسطه ملک برسول رسد و بواسطه رسول بخلق پس ملک رسول
دو متوسطند یکی از جهة حق و دیگری از جهة خلق که فرمان او بواسطه این دو متوسط ببندگان رسد و در تفسیر امام راغب رحمه الله آورده که وحی
دو گونه باشد جلی و خفی وحی جلی آنست که بواسطه سفیر باشد و سفیر آنرا گویند که پیغام حضرت عزت بمحرمان سراپرده رسالت میرساند و گاه باشد
که آن سفیر مرئی باشد و مواجه به پیغام گذاری مشغول گردد و گاه بود که او را نه بینند اما پیغام او را بشنوند و فرا گیرند و نزد محققان دیدن سفیر و شنیدن
کلام او از خاصه اولو العزم است که بقول اصح اصحاب شرایع اند و نا دیدن سفیر اما آواز شنیدن از آن سایر انبیاست و وحی خفی آنست که
وساطت سفیر در میان نباشد و آنرا الهام نیز گویند بیت آنکه بکار خاصان شرف علم داد • وحی خفی را لقب الهام داد • و این قسم بدو قسم
انقسام می پذیرد یکی آنکه در بیداری ملهم گردد دوم در عالم مثال بطریق رؤیا مشاهده نماید و باز آنچه در خواب بیند یا صریح بود که احتیاج
بتعبیر ندارد یا اشارت و تلویحی باشد و احتیاج بتعبیر و تاویل دارد و این نوع را از وحی چنانچه انبیا را بوده و بعضی اولیا را نیز نصیب
بوده امام المحدث همدانی در ترجمه ذریعه که موسوم است بکنوز الودیعه می آورد که کیفیت وحی نسبت با پیغمبران چنان بوده که از طور
بشریت عروج نموده بمقام ملکیت می پیوسته اند و بوسیله مناسبت از ملک اخذ وحی مینموده اند یا سفره بزرگوار چون جبرئیل
و غیره بشکل انسانی متشکل میگشته اند و تنزل نموده وحی را بموردی میگردانیده اند و بعضی انبیا را این حالت بیشتر و نهایت وحی خفی
که نهایت منتهای اقدام اولیا باشد بدایه وحی جلی خواهد بود که مبدا سلوک انبیاست و بیان اسرار وحی جلی و کیفیت القا و تلقین
و تعلم و تعلیم آن از زبان قلم و قلم زبان محرم نیست و حقیقت وحی را بجز پیغمبران که تواند شناخت ع سر من تو بجز من تو شناسی
و وحی که بسفارت جبرئیل امین بحبیب رب العالمین فرود آمده یکی از ده طریق بوده چنانچه در احادیث صحاح وارد است یکی آنکه
جبرئیل بصورت مردی بدان حضرت ظاهر شده مکالمه فرمودی و حضرت آنچه شنیدی از او یاد گرفتی و اکثر اوقات بصورت دحیه
الکلبی که جوانی زیبا صورت نیکو سیرت بودی برو ظاهر گشتی طریق دوم آن بود که مثل آواز جرس صدای شنیدی و بران آواز
برودی [illegible] فیض از عکس غیب بشهرستان [illegible] استدلال مینمودی بیت کاروان غیب می آید بعین • لیک از ین دشت نان پنهان
آید همی • همچو روغن در میان جان شیر • لامکان اندر مکان آید همی • همچو عقل اندر میان خون و پوست • بی نشان اندر نشان آید همی
این همه رمز است مقصود آن بود • کان جان در این جان آید همی • و درین قسم از وحی مشقت بسیار بدان حضرت میرسید بحدی

Copyright © King Saud University